

## گزارشی درباره

# وضع زبان فارسی در مصر

از آقای صادق نشأت رایزن فرهنگی ایران در مصر

چندی پیش آقای صادق نشأت، رایزن فرهنگی ایران در مصر، گزارشی درباره وضع زبان فارسی در آن کشور به وزارت فرهنگ فرستاده اند که خلاصه ای از آن جهت اطلاع علاقه مندان در این شماره درج میشود :

اگر بنا شود گفتگویی از رابطه فرهنگی این کشور با فرهنگ ملی ایران از لحاظ ارتباط با زبان و فرهنگ و ادب فارسی بمیان آید اولیتر آنست که اشاره ای به سوابق سیاسی و اجتماعی دو کشور نیز بشود. بامختصر توجهی بوضع عمومی اخلاق و عادات و آداب ملی که بین مردم این سرزمین شیوع دارد بخوبی معلوم میشود که بین ایران و مصر روابط بس قدیم و محکمی از راه دانش و فرهنگ وجود داشته که برغم مرور زمان آثار آن هنوز بر جااست. از دوران هخامنشی و ارتباط دو بیست و پنج ساله شاهنشاهی ایران از طریق استیلا بر مصر و همچنین دوره های دیگر از قبیل دوران حکومت اسکندر و اشکانیان و ساسانیان بر می آید که ملت ایران و مصر نه تنها از جهت سیاسی بلکه بیشتر از راه فرهنگ و دانش بهم مربوط بوده اند و بسیاری از خصوصیات یکدیگر را اخذ کرده اند. در آن دوره ها مصر بحکم اینکه تابع شاهنشاهی ایران بوده یا این دولت را مرجع بزرگ شرق و مقدرات آن می شمرده، خیلی نکات و معانی ادبی از ایران اقتباس کرده است.

پس از اسلام هم چیزی نگذشت که آن روابط دیرینه تجدید گردید. از واسطه قرن سوم هجری که مملکت مصر زیر لوای احمد بن طولون که امیری ترکی الاصل

و ایرانی تربیت بود در آمد؛ بار دیگر مصر و ایران از حیث معنویات بیکدیگر نزدیک شدند و درست آنچه از اصول حکمرانی و اجتماعی و آداب مذهب و آیین در سرزمین ایران در آن دوره‌ها مشاهده میشود، عین آن در کشور مصر نیز بنظر میرسد. فرهنگ ایران بعد از اسلام و همچنین دانشمندان ایرانی آن دوره بخوبی بایکدیگر تفاهم می‌کردند و ناصر خسرو علوی و مؤیدالدین شیرازی و حسن بن صباح دیلمی و ابورفای فارسی اینجرا مانند موطن خود سرزمین مألوف و مجلی مانوس میدیدند. دوران خلافت فاطمی با وجود بعد مسافت بین دو کشور چون با طبیعت و مزاج

ایرانیان پیش از خلافت عباسی مطبوع و مألوف بود لذا جمع‌گیری از متفکرین و ملیون ایران در آن اوقات این خلافت و اصول آن را بمقاصد ملی خویش نزدیکتر شمردند و علی‌رغم سخت‌گیری‌هایی که در جلوگیری از انتشار عقاید فاطمیین و تبلیغات آنان در ایران بدست غزنویها و سلاجقه می‌شده است پیروان زیادی در ایران نسبت بعقاید فاطمیین مصر پدید آمد و بالاخره کار با نجا کشید که دولت ملاحده الموت در شمال ایران تشکیل شد و دو قرن یا بیشتر دوام یافت و همین مقدمه، ازهان عمومی را در ایران برای خروج از عقاید سنت و دخول بعقاید مذهب تشیع که با طبیعت ایرانی نزدیکتر بود آماده ساخت.

قیام دولت کردهای ایوبی که بزعامت سردار معروف آنان صلاح‌الدین شیرکوه در مصر پیش آمد و جایگزین دولت فاطمیین در قرن ششم هجری گردید نیز عامل جدیدی در انتقال مبانی و افکار و شعائر ملی و معتقدات عرفانی ایرانیان بدست این جماعت یعنی صلاح‌الدین و همراهان او که از اکراد ایران بودند گردید. این جماعت حتی اصول و شعائر اهل سنت را در ایران و عقاید متصوفه آنها و مصطلحات و آداب خانقاهها و تکیه‌های صوفیه را با خود به مصر آوردند که تا حال هم بهمان نامهای ایرانی در اغلب نقاط این کشور دیده و شنیده میشود و چنانچه مساجد و مزارهای این دوره را با آنچه که در ایران است مقایسه کنیم اگر تماماً مانند یکدیگر نباشند، از خیلی جهات آنها را تشبیه بهم خواهیم دید.

چند نفر جهانگرد عرب از قبیل ابن جبیر و ابن بطوطه که سفر نامه‌های معروفی دارند در ضمن گفتگویی از مساجد و مدارس و رباط‌های صوفیه در مصر، یک‌عده از علمای ایرانی را از شیراز و کرمان و خراسان نام می‌برند که مقام تدریس یا امامت یا ارشاد را داشته‌اند و از آن جمله خاندان عبدالجبار خراسانی بوده است.

در دوره استیلای ترکان عثمانی، که از اواسط قرن دهم هجری بر مصر آغاز شده و با ظهور محمد علی پاشا در اوایل قرن سیزدهم هجری خاتمه می‌یابد، نیز مشاهده می‌شود که ذخایر فکری و ادبی زیادی از ایران بوسیله کارهای اداری و شؤون مربوط بترسل و انشاء به مصر انتقال یافته و چون عثمانیها زبان فارسی را مادر ادب و فرهنگ ترکی می‌شمردند و آموختن آن را لازمه هر ادیب و شاعر و نویسنده و فقیه و محدث میدانستند لذا فارسی راهمچنان که در سایر ایالات قلمرو عثمانی رواج داشت در مصر نیز رواج دادند. در عهد محمد علی پاشا مؤسس حکومت خاندان خدیوی سابق نیز دنباله ادب و فرهنگ فارسی با وجود استقلالی که مصر پیدا کرد قطع نگردید و با ظهور تشکیلات جدید فرهنگی که بدست پاشای نامبرده در مصر صورت گرفت ادب و زبان فارسی بوسیله کتابهای ادبی و اخلاقی معروف رایج در ایران از قبیل کلیات سعدی و دیوان حافظ و مثنوی و دیوان جامی و سنائی در این کشور متعارف شد و همچنانکه در آن تاریخ یک سلسله از کتب قدیم عربی در چاپخانه (بولاق) مصر طبع گردید یک‌عده از امهات کتب فارسی هم از قبیل کلیات شیخ و مخصوصاً گلستان و بوستان و مثنوی مولانا جلال‌الدین و دیوان حافظ در مصر بزور طبع آراسته شد.

این کتابها و نظائر آن ظاهر آتایش از جنگ جهانی اول و تبدیل اوضاع سیاسی در مصر و قیام دولت فعلی رواج داشت و همینکه سازمانهای جدید فرهنگ با تأسیس دانشگاهی بنام (الجامعة المصرية) که بعداً بنام (جامعة فؤاد الاول) و بالاخره در این ایام بنام (جامعة القاهرة) موسوم گردید، توسعه یافت روش تدریس زبان فارسی تغییر پذیرفت.

از سال ۱۹۳۲ میلادی دانشگاه فؤاد الاول سابق و جامعة القاهرة امروز برای تدریس زبان فارسی و ادبیات همان رویه‌ای را که در دانشگاههای بزرگ خارجی معمول است

انتخاب کردند. از همان تاریخ شخصی که چندسالی با استفاده از کارمندی در سفارت کبرای مصر در لندن توانسته بود با دانشگاه آنجا ارتباط یافته و از استادان بزرگی مانند مرحوم پرفسور برون و میرزا محمد خان قزوینی و تقی زاده و دیگران استفاده برد، در دانشکده ادبیات دانشگاه فؤاد الاول نقش جدیدی را ایفا نموده ورشته تدریسات زبان فارسی را با كمك يك كسبه از ادب خواهان فارسی راه انداخت. این شخص داکتر **عبدالوهاب عزامی** بود که بعدها بریاست دانشکده ادبیات و سپس بوزارت خارجه مصر انتقال یافت و دو سال قبل وفات نمود. بالجمله رشته تدریس زبان و ادبیات فارسی از آن تاریخ (۱۹۳۲) ادامه یافت و در عرض این مدت یکعده از دانشجویان که بعدها توانستند با کوشش شخصی خود در میدان ادبیات فارسی اطلاعات شایانی را دارا شوند بسمتهای مختلف فارغ التحصیل گردیدند.

موضوعی که باید هم اکنون راجع بآن توضیحانی داده شود رویه و برنامه های تدریس رشته ادبیات فارسی دانشکده قاهره است. روش تدریس در رشته مزبور آنست که دانشجویان بخش ادبیات عربی دانشکده ادبیات مکلف میشوند که از سال دوم ورود بدانشکده، زبان فارسی و تاریخ ادبی و سیاسی ایران را بطور اجباری بایک زبان شرقی دیگری از قبیل (اردو یا ترکی و یا غیر آن) بطور اختیاری تحصیل نمایند. رویهمرفته ساعات تدریس فارسی چون در هفته بیش از دو الی چهار ساعت نیست و مواد درسی از کتب قدیمه نثر یا نظم فارسی اخذ میشود و بهیچوجه رابطهای با زبان و فرهنگ معاصر ندارد، نتایج قابل ملاحظه ای ندارد و ای بسا که بسیاری از دانشجویان پس از فراغ از تحصیل، فارسی را هم فراموش می کنند.

موجب دیگری که موردتوجه این وضع میشود این است که استادانی که قیام باین امر نموده اند بیشتر پایان نامه های خود را از دانشگاه های خارجی از ایران در ادبیات فارسی گذرانده اند و طبعاً با تدریس متد فارسی چندان آشنا نیستند. سابقاً يك مؤسسه دانشگاهی خاصی با اسم (معهد اللغات الشرقيه) یعنی آموزشگاه السنه شرقی (که اخیراً منحل گردیده است) وجود داشت، و عاشقان ادبیات فارسی که از دوره لیسانس فارغ التحصیل میشدند بمعهد اللغات که دوره آن سه سال بود وارد میگشتند و پس از طی دوره

مذکور بنوشتن رساله دکتری مکلف میشدند .

استادان و دانشیاران و فضلا و دانشمندی که اکنون در این کشور با ادبیات فارسی علاقه و انتساب و در کار تعلیم زبان فارسی و تألیف و ترجمه آثار مختلف آن دست دارند از فارغ التحصیلهای معهد اللغات الشرقیه میباشدند که بدرجه دکتری رسیده یا در جریان وصول باین مرتبه هستند .

استادان و معلمان فرهنگ و ادبیات فارسی در مصر که از دانشگاه قاهره یا دانشگاههای دیگر بدرجه دکتری در ادبیات نائل آمده اند از این قرارند :

در مرحله اول باید از **دکتر عبدالوهاب عزام** نام برد . دانشمند دیگر **دکتر یحیی الخشاب** است که پس از مرحوم دکتر عزام در طراز اول استادان زبان فارسی در مصر محسوب میشود و مدتها ریاست رشته زبان فارسی را در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره و معهد اللغات دارا بوده و تعدادی کتب مختلف ادبی و تاریخی از قبیل چهار مقاله عروضی سمرقندی را با شرکت دکتر عزام و رساله تنسر و سفرنامه ناصر خسرو علوی و تاریخ بیهقی را با اشتراک اینجانب ترجمه و تحقیق کرده است . همچنین کتاب **خوان الاخوان** را بچاپ رسانیده و کتاب تاریخ ساسانیان ( کریستنسن ) را از فرانسه عبری ترجمه و انتشار داده است .

رساله دکتری او تحقیق در زندگانی ناصر خسرو و علوی و ترجمه سفرنامه اوست که از دانشگاه سوربون پاریس دریافت کرده است .

**دکتر ابراهیم امین الشواربی** دانشمندیست که در رشته زبان و ادبیات و تاریخ ایران اطلاعات شایان توجهی دارد ، اکنون ریاست بخش رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عین الشمس بعهد اوست .

رساله دکتری او تحقیق در آثار حافظ شیرازی و ترجمه حال و فلسفه مقامات عرفانی اوست که در دانشگاه لندن زیر نظر پرفسور «سود نیس رایس» بوده است . چند کتاب هم ترجمه و تحقیق نموده که از جمله آنها جلد دوم تاریخ ادبیات ایران مرحوم پرفسور برون و ترجمه دیوان حافظ بشعر و نثر عربی و ترجمه حدائق السحر رشیدالدین و طواط را میتوان نام برد . همچنین کتابی با اسم «القواعد الاساسیه فی اللغة الفارسیه»

برای تدریس زبان فارسی نوشته است .

**دکتر محمد موسی هنداوی** ، دکتری وی از معهد اللغات الشرقيه دانشگاه قاهره و پایان نامه او تحقیق و ترجمه بوستان سعدی است . فرهنگ فارسی کوچکی هم از انگلیسی به عربی طبع و اخیراً قسمتهائی از گلستان را به عربی ترجمه نموده و انتشار داده است . شغل فعلی وی تدریس رشته ادبیات و زبان فارسی در دانشکده دارالعلوم است که یکی از دانشکده های دانشگاه قاهره میباشد . وی تاریخ ادبیات ایران تألیف دکتر رضازاده شفق را هم به عربی ترجمه نموده است .

**دکتر طه نداء** استاد دانشکده ادبیات دانشگاه اسکندریه در رشته زبان فارسی است . رساله دکتری وی در خصوص تطور نظم و نثر فارسی و در معهد اللغات الشرقيه دانشگاه قاهره نوشته شده است . کتابی بنام « دراسات فی الشاهنامه » تألیف کرده و تبعات و اطلاعات در این رشته شایسته توجه است .

**دکتر محمد کفافی** در دانشکده ادبیات دانشگاه قاهره سمت استادی زبان فارسی را دارد ، تحصیلات خود را پس از طی معهد اللغات در دانشگاه لندن تکمیل نموده و با نوشتن رساله های در تحقیق و ترجمه کتاب « ارشاد العلوم » بدرجه دکتری از دانشگاه لندن نائل آمده . تمایلات و شوق فوق العاده ای با آثار فانی مولانا جلال الدین رومی در حکایات و امثالش به خرج میدهد .

**دکتر احمد السادات** ، از استادان فارسی دانشگاه ادبیات قاهره است . بیشتر تبعات وی در مکتب ادبی فارسی گوین و ادبای هندوستان عهد مغول است . در این رشته آثاری دارد و زبان فارسی را مانند همقطاران خود میدانند و تدریس میکند . رساله دکتری وی درباره عصر بابر در هند است که از معهد اللغات الشرقيه گرفته است .

**دکتر محمد غنیمی هلال** استاد رشته ادبیات تطبیقی فارسی و عربی است و در دو دانشگاه قاهره و عین شمس تدریس می کند و از دانشگاه سوربن فرانسه درجه دکتری دریافت نموده است . دو کتاب هم در رشته مخصوص خود انتشار داده ، یکی از آنها ترجمه عربی لیلی و مجنون جامی با حواشی و تعلیقات و موضوع کتاب دیگرش نقش لیلی و مجنون در ادبیات فارسی و عربی است .

استاد احمد عبدالقادر، استاد بازنشسته ادبیات فارسی و عربی است. در دانشکده دارالعلوم و دانشگاه جامع الازهر تدریس میکند. فارسی ادبی را بخوبی میداند و کتابی با اسم «القطوف واللباب» برای قرائت و تدریس زبان فارسی نگاشته است. دکتر حنین همدانی از آلمان درجه دکتری یافته، در دارالعلوم و دانشکده عین شمس فارسی را تدریس مینماید و تحقیقاتی در رشته‌های تاریخی و ادبی فرهنگ ایران دارد و کتابی هم در تاریخ زیدیه بنام «الصلحین» به چاپ رسانیده است. عقیده مذهبی او زیدیت و تابعیت او پاکستانی است.

استاد کامل المهندس، در دانشکده دارالعلوم سمت استادی ادبیات فارسی را دارد. با شرکت استاد حامد عبدالقادر کتابی را با اسم «الاساس» جهت تدریس فارسی و عبری نوشته است.

دکتر عبدالمنعم حسنین از فارغ التحصیلان معهد اللغات الشرقيه دانشگاه قاهره است. وی در سال ۱۳۲۹ ه. ش. در نتیجه اقدامات سفارت کبرای شاهنشاهی در قاهره همراه دوست و همدرس خود دکتر فؤاد الصیاد به تهران رهسپار گردید و در دانشگاه تهران پذیرایی شد و مدت دو سال آنجا اقامت و مواد مربوط برساله دکتری خود را «نظامی گنجوی شاعر الفضيلة» تهیه نمود و در نتیجه موفق گردید که علاوه بر تهیه مواد رساله خود، زبان فارسی را بخوبی بیاموزد پس از دعوت بمصر رساله‌اش زیر نظر دکتر امین الشواربی تمام شد و بدرجه دکتری نائل آمد. اینک در دانشکده ادبیات دانشگاه عین شمس سمت استادی دارد و احساساتش نسبت بایران و ایرانیان قابل تمجید است. رساله خود را به چاپ رسانیده و کتاب «ایران در گذشته و حال» را نیز از انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است.

دکتر فؤاد الصیاد، وی چنانکه گفته شد با دوست و همدرس خود دکتر عبدالمنعم حسنین مدت دو سال در باشگاه دانشگاه تهران برای تهیه مواد رساله خود «رشیدالدین فضل‌الله» بسربرد و توانست پس از مراجعت به مصر رساله مزبور را با درجه خیلی خوب بگذراند و نائل بمرتبه دکتری شود. در حقیقت رساله‌اش از جنبه تحقیق تاریخی که دوره مشوش و پیر آشوب حکومت مغول را در ایران نشان میدهد قابل توجه است.

دکتر حسنین ود کتر صیاد زیر نظر دکتر امین الشواربی که استاد ایشان است مشغول ترجمه کتاب تاریخ راحة الصدور راوندی میباشند.

دکتر حسین مجیب المصری، وی نیز فارغ التحصیل معهد اللغات الشرقیه است. فارسی و ترکی را بخوبی میداند. در زبان عربی نیز قدرت ادبی اربحدیست که میتواند اشعار آبداری بسراید و دو کتاب یکی باسم «الشععه والفرشه» و دیگری باسم «الورده والبلبل» چاپ کرده. چندین کتاب هم در معرفی فرهنگ و ادب فارسی و ترکی بنام «فارسیات و ترکیات» و «من ادب الفرس والترک» و «تاریخ الادب التركی» نوشته و انتشار داده و رساله دکتری وی در تحقیق یکی از شعرای ایرانی ترك زبان یعنی (فضولی شاعرست) که ترکیها او را از شعرای نامی خود می‌شمارند. وی سمت استادی دوزبان فارسی و ترکی را در دانشکده ادبیات دانشگاه عین شمس دارد و چند زبان خارجی را بخوبی میداند.

گذشته از اشخاص مذکور چند نفر از فضیلات این دیار را میتوان نام برد که در رشته زبان و ادبیات فارسی عشق و علاقه گرمی از خود نشان میدهند. یکی از آنها دکتر امین عبدالمجید بدوی است که چهار سال قبل با دوفتر دانشجوی مصری دیگر به تهران مسافرت و دو سال در دانشکده ادبیات بتحصیل اشتغال ورزیده و توانسته است با سعی و کوشش و عشق و علاقه‌ای که به زبان فارسی دارد رساله منسوطی بعنوان «بحث درباره قابوسنامه» بفارسی بنویسد و مورد قبول دانشگاه تهران گردد و بدرجه دکتری نائل آید.

رساله خود را هم بفارسی نوشته و طبع کرده و قابوسنامه را نیز تصحیح و در تهران بچاپ رسانیده است. نامبرده با اینجانب نیز در ترجمه قابوسنامه عربی که اخیراً بچاپ رسید مشارکت داشته‌اند.

\*\*\*

اینجانب که در بهمن ماه ۱۳۳۱ بنابعدعوت دانشگاه (قاهره که بوسیله سفارت شاهنشاهی با موافقت وزارت فرهنگ و کسب اجازه از دانشگاه تهران بعمل آمد) برای تدریس زبان و ادبیات فارسی باین سامان وارد از همان ابتدای ورود خود چون



احساس نمودم جریان تعلیم و تعلم فارسی در دانشگاههای مصر از لحاظ سنخیت با مصطلحات و آداب امروزه در ایران موافق نیست، لذا با استادان اینجا تماسهای مکرر و گفتگوهای مفصل بعمل آورد و در نتیجه توانست با جلب نظر آنان يك دوره کتاب درسه جلد بنام «آموزگار فارسی» برای آشنا ساختن دانشجویان به فارسی معاصر تألیف نماید و از کمک آقایان دکتر حسنین و صیاد که در تهران هم سمت ناامید نسبت باینجانب داشتند در چاپ و انتشار کتاب استفاده کند. دو سال پیش هم توفیق حاصل نمود که تاریخ بیهقی را با شرکت آقای دکتر یحیی الخشاب و قابوسنامه را با مشارکت آقای دکتر امین عبدالمجید بدوی ترجمه کند و انتشار بدهد. اخیراً هم کتابی را برای تعلیم فارسی به عرب زبانان بنام «اقرار الفارسیه و تحدث بها» تألیف نمود که مورد توجه و استفاده تام قرار گرفت. در اثبات ایرانیت سید جمال الدین هم رساله‌ای بچاپ رسانید. وزارت فرهنگ جمهوری متحده عربی بنگاهی را برای ترجمه و تألیف موضوعات مختلفی که جنبه تاریخی دارد، تأسیس نموده و خوشبختانه ترجمه آثار اسلامی ایران را هم مورد توجه مخصوص قرار داده و این اداره روی همین اصل، تاریخ بیهقی و چند کتاب دیگر را که مربوط باین رشته‌ها میباشد با دادن پاداش و کمک به مترجمین دارالترجمه چاپ کرده است.

برای مزید اطلاع ملاحظات زیر را نیز بنظر میرساند:

- ۱- زبان فارسی را در دو دانشکده (جامع الازهر)، «کلیه اصول الدین» و «کلیه اللغه العربیه» در حدود معینی تدریس مینمایند.
- ۲- کتابخانه ملی مصر که آن را «دارالکتب المصریه» مینامند تعداد زیادی از کتب مهم قدیمی فارسی که بیشتر آنها خطی است دارد و این بخش از کتابخانه را «المکتبه الایرانیه» مینامند که محتویات آن درخور بحث و تحقیق دامنهداری میباشد.
- ۳- نباید فراموش نمود که یکی از ادبای مبرز که عشق و علاقه او به عمر خیام نیشابوری معروفست و بنام احمد رامی اشتهار دارد رباعیات خیام را بزیماترین تعبیر و شیواترین اسلوبی بزبان عربی نظم کرده که آنها را غالباً هنرپیشه نامی مصر «ام کلثوم» و همچنین هنرپیشه زیبای دیگر معروف به نجات الصغیره در مجامع و محافل و رادیو

قاهره میسرایند .

بادر نظر گرفتن مراتب بالا و اینکه اکنون بیش از چهارصد و پنجاه نفر دانشجو در سه دانشگاه بزرگ قاهره و عین شمس و اسکندریه بفرآگرفتن زبان و ادبیات و تاریخ ادبی و سیاسی و اجتماعی ایران اشتغال دارند میتوان از درجه تمایلات و علاقه ادب دوستان این دیار نسبت بفرهنگ ایران و زمینه مساعدی که برای انتشار فرهنگ فردوسی و سعدی وجود دارد آگاه شد و در فکر توسعه و تکمیل آن بود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی